

#### ملاک انتخاب همسر در منظر امام حسن مجتبی (ع)



حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا باقری  
عضو هیأت علمی دانشگاه فرحوسی

ازدواج، موضوعی بسیار مهم و سرنوشت ساز است. همه پدرمادرها دغدغه ازدواج فرزندان خویش را دارند. اسلام برخلاف مسیحیت تحریف شده، رهبانیت ندارد. در اسلام ازدواج امر مقدس، باارزش و لازمی است و موجب تقویت دین داری و افزایش ثواب عبادت می شود. سؤال اصلی در امر ازدواج، معطوف به صفات همسر است. باچه کسی ازدواج کنیم؟ اهل بیت<sup>(ع)</sup> به این پرسش بنیادین زندگی انسان ها پاسخ داده اند. بادرنگ در پرسش پدر مسلمانی دربارۀ ازدواج دخترش از امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> و پاسخ امام، وضعیت ازدواج مطلوب روشن می شود. فضل بن حسن طبرسی نوشته است: «جاعزجلّ الی الحسن علیه السلام یسّشیرهُ فی تزویج ابنته»، مردی خدمت امام حسن<sup>(ع)</sup> رسید تا در ازدواج دخترش با امام مشورت کند. امام فرمودند: «زّوجها مِن رَجُلٍ ثَقّی فائِئَة اِنْ اُحْبِثْها اَکْرَمْها و اِنْ اُبْغَضْها لِم یَظْلِمْها، (مکارم الاخلاق، ص ۴۰۴) دخترت را به ازدواج مردی پرهیزکار و باتقوا درآور؛ زیرا اگر او دخترت را دوست داشته باشد، او را گرمی دارد و تکریم کند و اگر او را دوست نداشته باشد، به او ظلم نمی کند. در این حدیث معیار اصلی گزینش همسر آموزش داده شده است. معیار اصلی «تقوا» می باشد.

تنها ویژگی همسر مطلوب که امام مجتبی<sup>(ع)</sup> در این حدیث بر آن تصریح کرده اند، همین تقواست. تقوا خداشناسی، اطاعت و فرمان برداری از پروردگار و خودنگهداری و پیشگیری از گناه و نافرمانی خدای سبحان است. تقوا ارزش فراگیر و بزرگی است که ظرفیت آرایش به همه خوبی ها و پالایش از همه بدی ها را دارد. تقوا خداترسی و پرهیزکاری است. تقوا صفت جامع ارزش های اخلاقی و صفات زیباست. امام حسن<sup>(ع)</sup> به این مردی که برای مشورت در ازدواج دخترش نزد امام آمده بود، پیشنهاد به ازدواج درآوردن دخترش با «رجل ثقی» را داده اند. «زّوجها» فعل امر است و امام با این جمله ضرورت و اهمیت ازدواج، همچنین صفت لازم برای همسرایی دخترش را به او آموخته اند. در این مشاوره در امر ازدواج، امام حسن<sup>(ع)</sup> بالاترین، مهم ترین و باارزش ترین معیار ازدواج را نشان داده اند. امام دستور داده اند: دخترت را به ازدواج مرد باتقوا درآور! چون در تقوا همه صفات زیبا و ارزش های زندگی خانوادگی و حیات طیبه وجود دارد. یکی از صفات سلبی انسان متقی ظلم است و یکی از صفات وجودی و ایجابی آن تکریم است. امام دلیل تأکید بر تقوا را در همین حدیث بیان کرده اند. انسان باتقوا اگر محبت همسرش را پیدا کند، حتماً او را گرمی می دارد و محترم می شمارد و عزیز و ارجمند می بیند و بهترین زندگی برپا خواهد شد و اگر مرد باتقوا همسرش را دوست نداشته باشد، به او ظلم نخواهد کرد. بنابراین هرگز دختری با ازدواج با مرد باتقوا ضرر نمی کند. باتقوا همسرش را تکریم می کند و هرگز به او ظلم نخواهد کرد.

امام در این مشاوره در امر همسرایی به امور مالی و اقتصادی، ثروت، خانه و مرکب سواری اشاره نکرده اند، چون زیربنای همه صفات برای رفاه، آسایش، آرامش، تولید نسل و تأمین نیاز جنسی همان تقواست. مرد متقی از وظایف و مسئولیت هایش در برابر همسرش آگاه است و می داند همسرش واجب النطقه اوست و باید مسکن، مرکب سواری، تغذیه و پوشش مناسب را برای همسرش فراهم کند.

با تأکید بر تقوا نقش باورهای اعتقادی و ارزش های رفتاری و التزام عملی به شریعت اسلامی در انتخاب همسر شایسته آشکار می شود. انسان باتقوا به همسرش محبت و تکریم کرده و به او ظلم نمی کند. اگر محبت که یک امر قلبی است، نباشد، باز هم مرد متقی به همسرش ظلم نمی کند، چون ظلم با تقوا تعارض دارد.

#### حکم روزه در صورت ضرر داشتن آن

در این ستون به پرسش های شما در باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرمای می توانید با ارسال پیامک پرسش های خود را به شماره ۰۲۸۹۰۰۳۰۰ یا ما در میان بگذارید.

● روزه گرفتن برای فردی که روزه برایش ضرر دارد، یا بیمار است، چه حکمی دارد؟

#### ● آیت...العظمی خمینی (ه)

روزه از فروز دین و واجب بزرگ الهی است که قبل از اسلام نیز ادیان آسمانی بدان دستور داشته اند. خداوند سبحان در قرآن کریم، آیه ۱۸۲ سوره بقره، بر این نکته تصریح کرده و می فرماید:
بِأَیْهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَّامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ
از آنجا که به هنگام روزه گرفتن از خوردن و آشامیدن و دیگر مبطلات خودداری و امساک می شود، روشن است که چنین امساک و محدودیتی با سلامت و بهبودی انسان بیمار، سازگار نیست. به همین دلیل بیماری از موضوعاتی است که در قرآن کریم در امر به روزه داری مورد توجه و ملاحظه قرار گرفته و در سوره بقره آمده است:
شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْفُرْقَانُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْکُمُ الشَّهْرَ فَلْیَصُمْهُ وَ مَنِ کَانَ مَرِضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَیَّامٍ أُخَرَ یُرِیدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لَا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ وَ لَیُکْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لَیُذَکِّرُوا اللَّهَ عَلَی مَا هَدَاکُمْ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ

به همین دلیل در باب صوم فقه آمده است که روزه گرفتن برای مریض و افرادی که روزه گرفتن برایشان ضرر دارد، حرام است و نباید روزه بگیرند.

#### ● آیت...العظمی خامنه ای

کسی که می داند روزه برایش ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد، باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست، بلکه حرام است، خواه این یقین و خوف از تجربه شخصی حاصل شده باشد یا از گفته پزشک امین یا از منشأ عقلایی دیگر. ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و قدرت نداشتن بر روزه گرفتن، تشخیص خود روزه دار نسبت به خودش است، بنابراین اگر پزشک بگوید روزه ضرر دارد، اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد، باید روزه بگیرد. همچنین اگر پزشک بگوید روزه ضرر ندارد، ولی او بداند روزه برایش ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد نباید روزه بگیرد.

هرگاه عقیده اش این بود که روزه برای او ضرر ندارد و روزه گرفت و بعد فهمید روزه برای او ضرر داشته باید قضای آن را به جا آورد. پزشکانی که بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می کنند، گفته ایشان در صورتی معتبر است که اطمینان آور باشد یا باعث خوف ضرر شود و در غیر این صورت، اعتباری ندارد.

#### ● آیت...العظمی سیستانی

روزه بیمار در صورتی که ضرر داشته باشد (چه موجب بیماری زیاد شود، یا مدت درمان را طولانی کند، یا درد را تشدید کند) صحیح نیست، البته در همه آن ها باید ضرر به مقداری باشد که معمولاً قابل تحمل نیست و فرقی نیست بین اینکه یقین به ضرر داشته باشد یا گمان به آن، بلکه حتی اگر احتمال ضرر بدهد (البته این احتمال باید به نحوی باشد که موجب ترس شود و این ترس ضرر بر اساس موجبات عقلایی باشد، مانند تشخیص پزشک یا تجربه یا غیر آن) و بیمار باید بعد از بهبودی، آن روزه را قضا کند و کفارہ بر او واجب نیست. اما اگر بیماری تا ماه رمضان سال بعد ادامه داشت، قضا از او ساقط می شود و باید برای هر یک روز ۷۵۰ گرم نان یا ماکارونی یا کندم و امثال آن را به یک فقیر فدیه (فدیه مالی معین برای رهایی اسیر یا جبران عمل فوت شده و یا جریمه ارتکاب برخی محرمات است) بدهد. همچنین صحیح نیست روزه از انسان سالمی که ترس بروز بیماری را داشته باشد، چه رسد به اینکه یقین به بروز بیماری داشته باشد. و اما بیماری که روزه برای او ضرر ندارد، باید روزه بگیرد و روزه اش صحیح است.

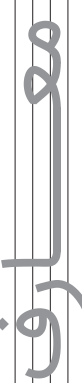
#### ● آیت...العظمی مکارم شیرازی

کسی که می داند روزه برای او ضرر دارد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست. همچنین اگر یقین ندارد اما احتمال درخون توپچی می دهد که روزه برای او ضرر دارد، خواه این احتمال از تجربه شخصی حاصل شده باشد یا از گفته طبیب.



شهر  
اخبار  
SHAHRA NEWS.IR  
۵۵ شنبه  
۱۲ فروردین ۱۳۹۴  
۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴  
شماره ۳۱۱۲

۱۴



#### خلق حسنی(ع)

از جلوه های بی نظیر اخلاقی در سیره امام حسن<sup>(ع)</sup> وجود کرامت و روحیه بخشش در بالاترین سطح است. چنان که بنابر تصریح مورخان، ایشان در طول عمر مبارکشان بارها هر چه را که داشتند با فقرا تقسیم کردند! درباره روحیه کرامت حضرت<sup>(ع)</sup> گفته شده است: «امام حسن<sup>(ع)</sup> بخشنده و پا کرامت بودند و هیچ سائلی را رد نمی کردند و امیدواری را ناامید نمی گردانیدند.» چنین حالتی، نیازمند روحی بزرگ و همتی والاست و هر کسی از عهده آن برنمی آید. امام حسن<sup>(ع)</sup> در ارتباط و انس با خدا اهتمامی ویژه داشتند و باوجود همه امکاناتی که در اختیارشان بود، بارها پای پیاده به حج مشرف شدند! از ایشان نقل است که فرمودند: من شرم دارم خداوند را ملاقات کنم درحالی که پیاده به خانه او نرفته باشم! چنین عشق و علقه ای آثار معنوی خاصی دارد و اخلاص در محبت و مهرورزی به خدا را نشان می دهد.

#### جلوه های مظلومیت حسنی(ع)

علویان به دو گروه حسنی<sup>(ع)</sup> و حسینی<sup>(ع)</sup> تقسیم می شدند. در زمان بنی عباس دستگاه خلافت برای سرکوب علویان و سادات حسینی<sup>(ع)</sup> به تبلیغات علیه جدشان امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> می پرداخت تا آن ها را از اعتبار ببیندازد، ازاین رو امام حسن<sup>(ع)</sup> یک بار در زمان حیات مبارکشان توسط معاویه مورد ظلم واقع شدند و بار دیگر بعد از مدت زمان طولانی توسط بنی العباس و در قرن دوم هجری!

حجت الاسلام والمسلمین واعظ موسوی:  
نقطه مقابل کرامت، لغامت است. انسان کریم خود را ارجمندتر و والاتر از آن می بیند که بخواهد رشوه بگیرد، اختلاس و احتکار کند



حجت الاسلام والمسلمین واعظ موسوی در گفتگو با شهرآرا بیان کرد

# جامعه امروز به کرامت حسنی نیاز دارد

آمنه مستقیمی! یکی از جلوه های غربت و مظلومیت امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> کوتاهی در باز خوانی سیره و منشئی است که ایشان را کریم اهل بیت<sup>(ع)</sup> و امام حلم و مدارا کرده است. مدارایی که ضامن بقای اسلام شد و مسیر را برای قیام عاشورای حسینی<sup>(ع)</sup> هموار کرد. ازاین رو، به مناسبت فرارسیدن نیمه رمضان المبارک، سالروز ولادت امام حسن<sup>(ع)</sup> و در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی واعظ موسوی، خطیب و کارشناس مذهبی، برخی ابعاد سیره حسنی<sup>(ع)</sup> را بررسی کرده ایم که در ادامه مرور می شود.

#### عابدترین مردم زمانه

در سیره ایشان است که در عبادت حالی عجیب داشتند، چنان که در پیشگاه خدا و هنگام نماز بدیشان از درک عظمت الهی به لرزه می افتاد، حضرت مجتبی<sup>(ع)</sup> به عنوان عابدترین مردمان و به نماد بندگی زمان خویش شهرت داشتند، نمازشان سراسر اشک و انابه بود و حالت خشوع و خشیت نسبت به خدای متعال داشتند، از امام سجاد<sup>(ع)</sup> نقل است که فرمودند: «امام حسن<sup>(ع)</sup> عابدترین، زاهدترین و برترین مردم زمان خود بودند.» نقل است هنگام تلاوت قرآن، چه در نماز و چه جز آن، وقتی به آیه ای می رسیدند که به عذاب الهی اشاره داشت از شدت باور به قیامت و بهشت و جهنم، مدهوش می شدند! ما با خواندن چهار رکعت نماز فکر می کنیم بهشت را تصاحب کرده ایم، درحالی که امام مجتبی<sup>(ع)</sup> در مقابل خدادار خوف و رجای دائمی به سر می بردند. از حضرت زین العابدین<sup>(ع)</sup> نقل است: «امام مجتبی<sup>(ع)</sup> وقتی برانگیخته شدن و حشرونشر قیامت و گذشتن از پل صراط را به یاد می آوردند، گریه می کردند.»

#### هر یک

از امامان<sup>(ع)</sup> حتی اگر پیامبر<sup>(ص)</sup> در شرایط امام حسن<sup>(ع)</sup> قرار داشتند، صلح می کردند، چرا که شرایط حضرت<sup>(ع)</sup> خاص بود و سرداران امام<sup>(ع)</sup> با معاویه پنهانی سازش و همکاری می کردند، اما امام حسن<sup>(ع)</sup> در مقابل صبر و حلم در پیش گرفتند و مصداق تحمل و بردباری شدند. باید توجه داشت این صبر و حلم اجر بیشتری دارد، زمانی انسان از دشمن زخم و ضربه می بیند و زمانی از به ظاهر دوستان!

#### امام حلم و مدارا

امام حسن<sup>(ع)</sup> در خانه و بیت خود نیز غریب و مظلوم بودند و حتی همسر حضرت<sup>(ع)</sup> با ایشان همراهی نداشت و با امام<sup>(ع)</sup> دشمنی می کرد! چنین شرایطی کمتر رخ می دهد، اما حضرت<sup>(ع)</sup> با حلم و مدارایی بی مثال با همه این بی مهری ها روبه رو شدند و دست از حسن خلق و کرامت نکشیدند! در حدیث است: «امام مجتبی<sup>(ع)</sup> سعه صدرشان از همه بیشتر و از نظر اخلاق معتدل ترین مردم بودند.» (اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۲۳)

#### نهادینه کردن کرامت در اجتماع

نقطه مقابل کرامت، لثامت است. انسان کریم خود را ارجمندتر و والاتر از آن می بیند که بخواهد رشوه بگیرد، اختلاس و احتکار کند. برای نهادینه کردن روحیه کرامت در جامعه باید از کودکی آغاز کنیم، چنان که پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمودند: کودکان خود را اکرام کنید، وقتی انسان ها را تکریم کنیم، تن به ذلت و زشتی نمی دهند، کسی لثامت می کند که در کودکی اکرام نشده است و در درون خود احساس کرامت نمی کند!

همه جنایت کاران، دیکتاتورها و امثال صدام حسین ها تحقیر شده اند، نه تکریم. در روایات است آن ها که تکبر می کنند به دلیل احساس ذلت در درونشان است. از رهگذر تکریم انسان ها، احساس کرامت نهادینه و مانع زشتی ها و پلیدی ها می شود. در مقابله با ناهنجاری هایی همچون اختلاس، احتکار و... چاره کار این است که روح کرامت را در انسان ها ایجاد و تقویت کنیم.

بنا بر توصیه و آموزه های اسلام، حتی نباید در برابر عطسه دیگران بی اعتنا باشیم؛ بلکه باید از خدا برای فرد عطسه کننده درخواست رحمت کنیم. وقتی نباید در مقابل عطسه بی اعتنا بود، در امور کلان تر مثل ازدواج و... باید حواسمان به حفظ کرامت یکدیگر باشد، با این کرامت است که جامعه در مقابل ناهنجاری ها مصون می شود.

#### در الهام از

سیره حسنی<sup>(ع)</sup>، به ویژه در بُعد حلم و مدارا باید بدانیم اینکه مایه بردباری و حلم موفق نمی شویم برای آن است که سطح توقعاتمان را پایین نمی آوریم. انسان هایی موفق به حلم می شوند که احساس نیاز خود را پایین می آورند، هر چه سطح توقع پایین بیاید، سطح تحمل بالا می رود، ما به جای تلاش برای بالا بردن تحمل، باید بکوشیم سطح توقعاتمان را پایین بیاوریم، اینکه ما از کودکان عصبانی نمی شویم، برای آن است که توقع رعایت خیلی از امور را از آن ها نداریم.

#### توقع، کشنده ترین

واژه است. در روایات نیز با تعبیر احساس نیاز از توقع سخن می گویند. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می فرماید: برای امیرشدن نتنها باید توقع نداشته باشی، بلکه باید دیگران را درک کنی، یعنی فرادست بودن نه فرودستی، در تعالیم قرآن و عترت این فرادستی است که انسان را امیر می کند، چنان که امام مجتبی<sup>(ع)</sup> نیز چنین بودند و این بُعد از سیره حضرت<sup>(ع)</sup> برای امروز ما بسیار راهگشاست.